

Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh

7<sup>th</sup> Year, No.27, Winter 2019, pp. 127-146

DOI: 10.22034/sm.2020.108050.1381

## A Survey of Transcendental Economic Security and Economic Liberty in Islamic Economics<sup>1</sup>

Aliasghar Nasiri<sup>1</sup>

*1. Assistant Professor, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. nasiri@shahroodut.ac.ir*

**Received:** 2 June 2019; **Accepted:** 18 December 2019

### Abstract

The purpose of the current study is to survey economic security and economic freedom in Islamic economics. The results of this research which was conducted using the argument of Sabr and Taqsim and the theory of Estikhdam (employment) based on Qur'anic verses and Hadith show that there is a transcendental correlation between economic security and economic freedom in Islamic economics; and prioritizing one over another may lead to injustice as well as an unfair unilateral employment in society that on the one hand threatens the essence of economic security and economic liberty, and on the other hand, endangers the transcendental movement in society. Therefore, the assumption of correlation between economic security and economic freedom is proved in which no violation against individual, national, religious, and public right occurs and there is justice-based balance in social relations that is transcendental.

**Keywords:** Economic Security, Economic Freedom, Islamic Economics, Sabr and Taqsim Argument

---

1. Extracted from Level 4 dissertation entitled "Security and Freedom", Ali Asghar Nasiri Supervisor: Dr. Lakzai, Consulting Professor: Dr. Behrouzi Lak, howzehqom, Defense Department: December, 2016.

## بررسی مناسبات امنیت اقتصادی متعالی و آزادی اقتصادی متعالی در نظام اقتصادی اسلام<sup>۱</sup>

علی اصغر نصیری

۱. استادیار، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. a.nasiri@shahroodut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مناسبات امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام بود. نتایج پژوهش که با استفاده از «برهان سبر و تقسیم» و نظریه استخدام از بررسی آیات و روایات انجام شد، حاکی از آن است در نظام اقتصادی اسلام رابطه‌ای تعاملی متعالی میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی برقرار بوده و تقدم یکی بر دیگری ضمن ورود به وضعیت ظلم، استخدام یک‌سویه ناعادلانه‌ای را در جامعه ایجاد می‌کند که از یک‌سو، نفس امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی را تهدید می‌کند و از سوی دیگر جریان تعالی‌بخشی جامعه را نیز به‌خطر می‌اندازد. بنابراین، فرض تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی اثبات می‌شود که در آن، هیچ تضییع حقوق فردی، ملی، دینی و عمومی بوجود نمی‌آید و تعادلی مبتنی بر عدالت در روابط اجتماعی محقق می‌شود که متعالی است.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی، نظام اقتصادی اسلام، برهان سبر و تقسیم.

---

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: علی اصغر نصیری، امنیت و آزادی، رساله سطح ۴، استاد راهنما دکتر لک‌زایی، حوزه علمی قم، آذر ۱۳۹۵، می‌باشد.

## ۱. مقدمه

نیاز جامعه بشری به امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی، توجه به چگونگی نسبت میان آن دو مقوله را در روابط اجتماعی، ناگزیر می‌نماید. سه وضعیت عمده در نسبت امنیت و آزادی در بُعد اقتصادی، تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی و بالعکس و تعامل و تلازم میان آن دو می‌باشد که تحقق هر یک در جامعه، آثار و پیامدهایی را نسبت به حقوق اساسی مردم در عرصه اقتصادی از یک سو و حکومت از سوی دیگر به دنبال دارد. زیرا عدم توجه به ترسیم رابطه‌ای تعادلی بین امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در جامعه، استبداد اقتصادی (تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی) و پایمال شدن ارزش‌های حیاتی جامعه و حتی هرج و مرج اقتصادی (تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی) و در نهایت، عدم تعالی شهروندان را در پی خواهد داشت. لذا، تنظیم نسبتی متعادل میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. با این وجود، تحقیقات زیادی در این موضوع به‌ویژه، تحقیقاتی که نسبت امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی را در نظام اقتصادی اسلام بررسی کرده باشد، انجام نشده است. از سوی دیگر، اندک تحقیقات انجام شده در موضوع امنیت و آزادی را نیز نمی‌توان به عنوان پاسخی برای پرسش اصلی این پژوهش در نظر گرفت. لذا، هدف اصلی در این نوشتار، بررسی نسبت میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام می‌باشد.

در این راستا برای تبیین نسبت مذکور، به آیات و روایاتی که به موضوع آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی دلالت دارند، استناد شده است. پس از بررسی و تحلیل آن‌ها، نسبت میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی استنباط خواهد شد. از پیش‌فرض‌های اساسی پژوهش، این است که دین اسلام دارای نظام اقتصادی منسجمی بوده که با نظام‌های اقتصادی رایج در جهان اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیستی متفاوت است (صدر، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۲۴ و ۳۳۹؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳؛ ۱۳۷۲/۵/۱۲).

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که در نظام اقتصادی اسلام چه نسبتی میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی برقرار است؟ در ابتدا، مفاهیم و روش و چارچوب نظری این

بحث بیان می‌گردد. سپس نسبت امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اسلام با توجه به آیات و روایات اسلامی با کاربست روش و چارچوب نظری تبیین می‌شود.

## ۲. روش و چارچوب نظری

در این پژوهش از روش برهان سبر و تقسیم<sup>۱</sup> که در علوم مختلف کاربرد دارد، استفاده شده است. در این برهان، سبر و تقسیم در معنای لغوی به معنای آزمودن و شمردن آمده است. در اصطلاح نیز سبر و تقسیم به معنای منحصر کردن ویژگی‌ها در یک اصل و باطل نمودن دیگر اصول محتمل است. به بیان دیگر، در این برهان، احتمالات و فرضیه‌های گوناگون در مسئله مورد نظر، جمع‌آوری می‌گردد و بعد براساس دلیل، هر یک از آن‌ها بررسی و نقد شده و احتمالات و فرضیه‌های نادرست کنار گذاشته می‌شود و در آخر نیز فقط یک فرضیه و احتمال اثبات می‌گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴: ص ۳۷۲).

چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از نظریهٔ استخدام علامه طباطبایی است. از دیدگاه علامه طباطبایی انسان از یک سو، براساس حکم صادره از ادراکات اعتباری خویش مبنی بر به استخدام و خدمت گرفتن هر چیزی که در مسیر نیل به کمال می‌توان در اختیار گرفت، سعی می‌کند سایر افراد هم‌نوع خود را به خدمت بگیرد (طباطبایی، ۱۹۹۱م: ج ۲، ص ۱۱۸). از سوی دیگر، براساس اعتبار عدالت، خواستار تحقق عدالت اجتماعی و سودرسانی همگانی است. لذا مجبور می‌شود به نوعی قرارداد ضمنی و عملی در حیات اجتماعی خویش که مبتنی بر اعتبار استخدام دو سویه تعاملی و سودرسانی متقابل عادلانه است اکتفاء کند. از دیدگاه علامه طباطبایی عدم توجه به آن قرارداد و ایجاد استخدام یک‌سویه (مطهری، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۴۳۸-۴۴۱)، زمینه‌ساز امنیتی نا عادلانه و بوجود آمدن مکاتب امنیتی متدانی (نظام‌های طاغوتی اعم از استبدادی (متدانی‌حداقلی) یا مردم‌سالار (متدانی‌حداکثری)، غیردینی یا ضد‌دینی) (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ص ۱۹-۵۲) و آزادی متدانی (حداقلی: نظام‌های طاغوتی و حداکثری: نظام‌های دموکراتیک سکولار) خواهد شد. در مجموع به

اعتقاد علامه طباطبایی، تحقق مناسبات اجتماعی تعاملی عادلانه مستمر، مستلزم وضع قوانین الهی که عاری از منفعت‌طلبی شخصی است، می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۴۳۸-۴۴۱). به عبارت دیگر، تنظیم روابط اجتماعی براساس قوانین دینی، استخدامی دوسویه و تعاملی را به ارمغان می‌آورد که زمینه‌ساز امنیتی عادلانه و تحقق مکتب امنیتی متعالی و آزادی متعالی می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ص ۷۲-۷۶).

نسبت امنیت و آزادی	تأثیر بر آزادی	تأثیر بر امنیت	نتیجه	اعتبار		
تقدم امنیت بر آزادی / تقدم آزادی بر امنیت	سلب آزادی / آزادی متدانی (ناعادلانه): آزادی حداقلی / حداکثر	تولید ناامنی / مکتب امنیتی متدانی حداقلی / حداکثری	ظلم و سلطه‌طلبی / تحقق روابط اجتماعی ناعادلانه	یک سوپه	خارج از چارچوب قوانین الهی	استخدام: انسان در روابط با هم‌نوعان خویش، پیوسته به دنبال سود خود است. عدالت: خواستار سود همگانی.
تعامل و تلازم امنیت و آزادی	آزادی متعالی (عادلانه)	تولید امنیت عادلانه / مکتب امنیتی متعالی	عدالت / تحقق روابط اجتماعی عادلانه	دو سوپه	در چارچوب قوانین الهی	

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۳. مفهوم آزادی اقتصادی

آزادی در مفهوم لغوی به قدرت انتخاب، رهایی، توانایی عمل و ترک عمل معنا شده است (عمید، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۴). آزادی در اصطلاح نیز در چارچوب تلقی سلبی و ایجابی، به فقدان مانع (آزادی منفی)، صاحب اختیار بودن (آزادی مثبت) (برلین، ۱۳۶۸: ص ۲۳۶ و ۲۴۹) و عدم مانع در مقابل فرد برای نیل به هدف (Gray, 1991: P12) می‌باشد. در واقع، آزادی از مفاهیم سازه‌ای است. از این رو، هر مکتبی می‌تواند سازه آزادی را در چارچوب نظام فرهنگی و ارزشی خود تعریف کند (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ص ۱۸). بنابراین، سازه آزادی عبارت است از: فقدان «ب» (مانع) در مقابل «الف» (فاعل) برای رسیدن به «ج» (انجام دادن «ج» یا برخوردار بودن از «ج»). بر این اساس، آزادی اقتصادی در اندیشه اسلامی عبارت است از، «رهایی اشخاص یا مؤسسات

اقتصادی در جامعه از دخالت و ممانعت دولت‌ها به منظور انجام دادن رفتارهای اقتصادی خاص خود و یا برخورداری از حقوق اساسی در حوزه اقتصاد (حقوق اقتصادی) در مسیر رسیدن به سعادت الهی».

### ۳-۱. مفهوم آزادی اقتصادی متعالی و متدانی

آزادی اقتصادی از لحاظ مراعات چارچوب‌های دینی و تقید به احکام اسلامی، به آزادی اقتصادی متعالی و متدانی (حداقلی / حداکثری) تقسیم می‌شود. در آزادی اقتصادی متعالی، آزادی شهروندان در چارچوب احکام شریعت اسلامی تعریف می‌شود. اما آزادی اقتصادی متدانی، خود به آزادی اقتصادی متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. در آزادی اقتصادی حداکثری، آزادی اقتصادی شهروندان مقید به رعایت احکام دینی نیست. آزادی اقتصادی موجود در دموکراسی‌های غربی از جمله مصادیق این قسم است. اما در آزادی اقتصادی حداقلی، حقوق و آزادی اقتصادی اولیه شهروندان نیز محدود است. آزادی اقتصادی موجود در نظام‌های استبدادی از جمله مصادیق این قسم می‌باشد.

### ۴. مفهوم امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت در لغت به ایمن شدن، آرامش، عدم خوف و آسودگی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۳۳۷۶). در معنای اصطلاحی نیز با وجود اختلاف و مناقشه (ویلیامز، ۱۳۹۰: ص ۳۹) که ریشه در ابهام (خلیلی، ۱۳۸۷: ص ۴۹۷) و پیچیدگی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۰) مفهوم امنیت دارد، برخی تلقی سلبی از امنیت دارند و آن را به فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها، و فقدان ترس از حمله علیه ارزش‌ها تعریف کرده‌اند (Wolfers, 1952: P485) برخی نیز با تاکید بر اهمیت ترویج و پیشبرد حقوق بشر، تعریفی ایجابی از امنیت ارائه می‌دهند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ص ۴۰-۴۱) و آن را به وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان معنا می‌کنند (افتخاری، ۱۳۹۱: ص ۹۱). برخی نیز با نگاهی سازه‌ای امنیت را به «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام دادن یا انجام ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ)

باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)، تعریف می‌کنند (لکزایی، ۱۳۹۴: ص ۱۸). از دیدگاه نگارنده تعریف سازه‌ای از امنیت علاوه بر قابلیت تطبیق با هر یک از تعاریف سلبی و ایجابی امنیت، به دلیل تعبیه وجه غایت و هدف در تعریف امنیت، از جامعیت بیشتری نسبت به دیگر تعاریف برخوردار است و به گفتمان امنیتی اسلام (امنیت متعالی) که ضمن توجه به دنیا، غایت‌گرا (آخرت محور) می‌باشد، نزدیک‌تر است. بر این اساس، امنیت اقتصادی در اندیشه اسلامی عبارت است از: «دستیابی به وضعیتی که «الف» (ارزش‌های اقتصادی حیاتی جامعه، فرد) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» (داخلی: دولت و یا افراد، خارجی) مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» (توسعه و پیشرفت اقتصادی در مسیر رسیدن به سعادت الهی) برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)».

#### ۴-۱. مفهوم امنیت اقتصادی متعالی و متدانی

امنیت اقتصادی از جهت رعایت چارچوب‌های دینی و مقید شدن به احکام اسلامی به امنیت اقتصادی متعالی و امنیت اقتصادی متدانی (حداقلی/ حداکثری) قابل تقسیم است. در امنیت اقتصادی متعالی، متعلق امنیت، علاوه بر مواردی همچون عرف اقتصادی و منافع ملی، شامل حقوق اقتصادی الهی و نیز حقوق و آزادی‌های اقتصادی شهروندان نیز می‌شود. به عبارت دیگر، دالّ محوری از میان متعلقات امنیت، رعایت شریعت اسلامی است. در واقع، امنیت اقتصادی متعالی، امنیت در چارچوب در نظر گرفتن حقوق الهی می‌باشد. اما امنیت اقتصادی متدانی خود به امنیت اقتصادی متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. متعلق امنیت اقتصادی در قسم متدانی حداکثری، صرفاً شامل عرف اقتصادی جامعه و منافع ملی، حقوق و آزادی‌های اقتصادی شهروندان بوده و رعایت حقوق اقتصادی الهی و شریعت اسلامی را در بر نمی‌گیرد (لکزایی، ۱۳۸۹: ص ۶۳-۸۴؛ لکزایی، ۱۳۹۰: ص ۱۹-۵۲) که این قسم، در نظام‌های مردم‌سالار سکولار مشاهده می‌شود. اما در صورتی که متعلق امنیت اقتصادی متدانی، تنها شامل امنیت اقتصاد تحمیلی حکومت شود، امنیت اقتصادی متدانی حداقلی نامیده می‌شود (همان) که در نظام‌های استبدادی سنتی و مدرن قابل مشاهده است.

## ۵. نسبت امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی

برای تبیین مناسبات امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام، با استفاده از چارچوب نظری و کاربست روش سبر و تقسیم، نخست، نادرستی دو احتمال تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی و بالعکس براساس قرآن و روایات اثبات می‌شود (لازم به ذکر است که فرض عدم نسبت و ارتباط میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در جامعه، بدیهی‌البطان و خارج از محل نزاع می‌باشد). در نتیجه، از میان احتمالات موجود، تنها احتمال تعامل و تلازم امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی باقی می‌ماند که به‌عنوان تنها دیدگاه صحیح در نظام اقتصادی اسلام اثبات می‌شود.

### ۵-۱. نادرستی احتمال تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام

در نظام اقتصادی اسلام فعالیت اقتصادی مردم (اعم از فردی و گروهی) به رسمیت شناخته می‌شود و شهروندان جامعه اسلامی در انجام فعالیت‌های اقتصادی‌شان آزاد هستند. به عبارت دیگر، از دیدگاه اسلام هیچ کس حق ندارد با سلب آزادی اقتصادی، مانع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان در جامعه شود. این مطلب در وهله اول از اطلاق و عموم ادله‌ای که بر آزادی انسان دلالت می‌کنند، فهمیده می‌شود. اطلاق آیاتی همچون «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، ۱۵)؛ و نیز احادیثی مانند «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳: ص ۳۷۸)؛ و «كُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَهْيٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۱۷)، آزادی اقتصادی انسان استفاده می‌شود. بنابراین، در اسلام، آزادی اقتصادی از جمله حقوق مسلم شهروندان جامعه اسلامی بوده و سلب آن از نظر اسلام جایز نیست. در ادامه، این مطلب با تشریح آزادی اقتصادی به مهمترین مصادیق آن، یعنی آزادی مالکیت، آزادی اشتغال، آزادی فعالیت اقتصادی جمعی، تبیین می‌گردد.

### ۵-۱-۱. آزادی مالکیت

آزادی مالکیت، یکی از مهمترین مصادیق آزادی اقتصادی بوده و به معنای صاحب اختیار بودن انسان در تملک و مالکیت بر اموال و دسترنج خود است. به عبارت دیگر، آزادی انسان در مالک شدن



و نفی هرگونه سلطه بر مالکیت انسان را آزادی مالکیت می‌گویند. با توجه به آیات و روایات اسلامی می‌توان دریافت که اصل مالکیت انسان در اسلام پذیرفته شده است. «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ... وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ...» (نساء، ۲۹)؛ کلمات «اموالهم» و «اموالکم» این آیه به صراحت بر قبول مسأله مالکیت انسان بر اموال و دارایی‌های خود دلالت دارد. اما در رابطه با آزادی مالکیت انسان، آیات و روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که در ادامه به چند مورد اشاره می‌گردد.

«حِلِّيَّتِ بَيْعِ وَ جَوَازِ تِجَارَتِ عَنِ تَرَاضٍ» در آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، ۲۷۵)؛ و آیه «... لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء، ۲۹)، بر آزادی مالکیت دلالت می‌کند. زیرا ببيع و تجارت، فرع بر پذیرش آزادی مالکیت انسان است. همچنین در روایات متعددی، مردم مسلط بر اموال خود معرفی شده‌اند. «إِنَّ لِصَاحِبِ الْمَالِ أَنْ يَعْمَلَ بِمَالِهِ مَا شَاءَ مَا دَامَ حَيًّا...» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۹) و «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» (علامه حلی، ۱۹۸۲م: ص ۴۹۳). پذیرش تسلط انسان بر اموال خود، فرع بر پذیرش آزادی مالکیت انسان است. برخی از روایات نیز بر عدم جواز تصرف بدون اذن بر مال دیگران دلالت دارند. «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَيْبَةٍ نَفْسِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۲۸۴) و «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص ۵۴۱). در واقع، منوط شدن اجازه تصرف در اموال دیگران به رضایت صاحب مال، فرع بر پذیرش آزادی مالکیت صاحب مال و نفی هرگونه سلطه دیگران بر اموال وی است.

### ۵-۱-۲. آزادی اشتغال (آزادی کسب و پیشه)

آزادی اشتغال نیز یکی دیگر از مصادیق آزادی اقتصادی محسوب می‌شود. آزادی اشتغال به این معناست که انسان در انتخاب شغل مورد دلخواه و رضایت خود، صاحب اختیار و آزاد باشد و کسی وی را به شغلی که علاقه ندارد، مجبور نکند. از آیات و روایات بسیاری می‌توان آزادی اشتغال را استفاده کرد که در ادامه، به چند مورد اشاره می‌شود.

از آیات و روایاتی که بر رعایت عدالت در جامعه و نهی از ظلم به انسان دلالت می‌کند، آزادی اشتغال استفاده می‌شود. «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده، ۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (آل عمران، ۱۸۲). از آنجا که اجبار و اکراه در انتخاب شغل و سلب آزادی اشتغال، نوعی ظلم به انسان

محسوب می‌شود، بنابراین، لازمه رعایت عدالت و دوری از ظلم، پذیرش آزادی اشتغال است. آیات و روایاتی که بر عدم ولایت بر غیر، دلالت می‌کنند، مانند «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» نیز آزادی اشتغال استفاده می‌شود (کهف، ۲۶). سلب آزادی در انتخاب شغل، و اجبار و اکراه در اشتغال، نوعی ولایت بر غیر به شمار می‌رود که براساس این دسته از ادله، چنین ولایتی نفی شده و هیچ فردی به جز خداوند متعال حق ولایت بر افراد و اجبار بر انجام شغلی را ندارد. در روایتی از امام علی(ع)، از اجبار کردن مردم بر انجام دادن کاری که راضی نیستند، نهی شده است. «وَلَسْتُ اِنِّي اَنْ اَجْبِرَ اَحَدًا عَلٰى عَمَلٍ يُّكْرَهُ فَاَدْعِيهِمْ اِلَيْكَ فَاِنْ كَانَ الْاَمْرُ فِي النَّهْرِ عَلٰى مَا وَصَفُوْا فَمَنْ اَحَبَّ اَنْ يَعْمَلَ فَمُرُهُ بِالْعَمَلِ» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۴۵۱). این روایت به صراحت بر آزادی شهروندان در انتخاب شغل دلالت دارد.

### ۳-۱-۵. آزادی فعالیت اقتصادی گروهی

آزادی فعالیت اقتصادی گروهی یکی دیگر از مصادیق آزادی اقتصادی بوده که از دیدگاه اسلام مجاز است. این مطلب از اطلاق ادله‌ای که بر آزادی مالکیت و آزادی اشتغال دلالت می‌کنند، فهمیده می‌شود. همچنین از اطلاق برخی آیات قرآن کریم که بر فعالیت جمعی دلالت دارد نیز می‌توان فعالیت اقتصادی جمعی را استفاده کرد.

آیات و روایات دال بر امر به معروف و نهی از منکر همچون «كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۱۰). آیات و روایات دال بر اصل اباحه مانند «كُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ اَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ص ۳۱۴) و آیات دال بر تعاون مانند «تَعَاوَنُوا عَلٰى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلٰى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده، ۲)، از جمله ادله‌ای محسوب می‌شوند که بر آزادی فعالیت‌های گروهی دلالت دارند که اطلاق این ادله شامل آزادی اقتصادی گروهی می‌شود.

باتوجه به مطالب مذکور، در مجموع استنباط می‌گردد که:

۱. آزادی اقتصادی در اسلام به‌عنوان یک حق برای انسان محسوب می‌شود. بر این اساس، اصل لزوم وجود آزادی اقتصادی در جامعه در اسلام تایید می‌شود. به بیان دیگر، سلب حقوق

اقتصادی و استبداد به‌رأی در امور اقتصادی توسط هر فرد، گروه، حکومت داخلی و خارجی در جامعه (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه) در اسلام مردود است.

۲. از آنجا که آزادی اقتصادی مورد نظر اسلام آزادی اقتصادی متعالی است که ناظر به تعالی اخروی و در چارچوب دین می‌باشد، لذا، از آزادی اقتصادی مطلق و آزادی اقتصادی حداکثری لیبرالیستی سکولاریستی متمایز می‌گردد.

۳. همهٔ مصادیق آزادی اقتصادی، از جملهٔ حقوق هر یک از افراد و گروه‌های جامعه است و سلب آن، استبداد اقتصادی (امنیت اقتصادی متدانی حداقلی) و استخدام یک‌سویه و جامعه‌ای ظالمانه و ناعادلانه را به وجود می‌آورد.

بنابراین، طبق قاعدهٔ سبر و تقسیم، براساس آیات و روایات اسلامی احتمال تقدم امنیت اقتصادی (متدانی حداقلی) بر آزادی اقتصادی پذیرفته نیست. اگرچه امنیت اقتصادی متدانی حداکثری با اصل وجود آزادی اقتصادی در تعارض نیست، اما به دلیل متعالی بودن آزادی اقتصادی در اسلام، این گونه از امنیت متدانی نیز به دلیل خروج از چارچوب‌های دینی، پذیرفته نیست، لذا احتمال تقدم امنیت اقتصادی متدانی حداکثری بر آزادی اقتصادی متعالی نیز مردود است.

## ۲-۵. ناردستی احتمال تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام

اگرچه اصل داشتن آزادی اقتصادی به‌عنوان حق در جامعه اسلامی امری مسلم است، اما این آزادی، به صورت نامحدود نمی‌باشد. بلکه محدود به حوزه‌ها و موضوعات امنیت اقتصادی و ارزش‌های حیاتی اقتصادی است. حقوق الهی، قواعد عقلی، نفس آزادی افراد جامعه، منافع و مصالح اجتماعی و ملی و نیز مصلحت اخروی فرد از جملهٔ آن ارزش‌ها و موضوعات در نظام اقتصادی اسلام می‌باشد.

### ۲-۵-۱. حق الهی (قوانین اسلام)

حق الهی در عرصهٔ اقتصادی که در قوانین اقتصادی اسلام متجلی است، از جملهٔ موضوعات امنیت اقتصادی در اسلام است. در واقع، حقوق اقتصادی الهی از جملهٔ اموری بوده که محدودکنندهٔ آزادی‌های اقتصادی شهروندان در جامعه است. از این رو، هیچ کس از افراد جامعه

حق نقض حقوق و قوانین اقتصادی اسلام را ندارد. آیات و روایات بسیاری نیز در رابطه با موضوعات امنیت اقتصادی در اسلام وارد شده است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود. در روایتی از پیامبر(ص) حرمت یک شیء، ملاک حرمت ثمن و عدم جواز استفاده از آن معرفی می‌شود. «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۱۱۰؛ انصاری، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۳). در این روایت، حکمی کلی در فعالیت‌های اقتصادی بیان شده است، مبنی بر اینکه با چیزهایی که خداوند حرام کرده است، به‌ویژه اموری که به ارزش‌های اجتماعی آسیب می‌رساند، مانند کسب درآمد از طریق کتب ضالّه، شراب، آموزش جادوگری، جاسوسی و غیره نمی‌توان کسب درآمد کرد و پول حاصل از چنین فعالیت‌های اقتصادی نیز به ملکیت انسان در نمی‌آید. بنابراین، با توجه به این روایت، آزادی انسان در مالکیت و اشتغال، محدود به امور حلال می‌شود.

در روایت دیگری نیز از معامله چیزهایی که حکم اولیه آنها حرمت است، نهی شده است. «إِنَّ الْحَلَالَ مِنَ الْبَيْعِ كُلُّ مَا كَانَ حَلَالًا مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا هُوَ قَوَامٌ لِلنَّاسِ وَ يُبَاحُ لَهُمُ الْإِنْتِفَاعُ، وَ مَا كَانَ مُحَرَّمًا أَصْلُهُ مَنَهِيًّا عَنْهُ لَمْ يَجْزِ بَيْعُهُ وَ لَأَشْرَؤُهُ» (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۱۹). در این روایت نیز به صراحت، خرید و فروش چیزهایی که مورد نهی الهی واقع شده‌اند، غیرمجاز معرفی شده است. بنابراین، بر طبق این روایت نیز آزادی انسان در کسب و مالکیت، محدود به امور غیرمنه‌ی عنه شده که توجه و رعایت آنها، امنیت اقتصادی مورد نظر اسلام را در پی خواهد داشت. در آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره، ۲۷۵) نیز به یکی دیگر از موضوعات امنیت اقتصادی یعنی عدم جواز معامله ربوی که محدودکننده آزادی اقتصادی شهروندان می‌باشد، اشاره شده است.

در برخی از آیات قرآن کریم از مردم خواسته شده است تا از حکومت‌های طاغوت دوری کنند. «... يُرِيدُونَ أَنْ يُتَّحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ...» (نساء، ۶۰)، «... وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). آنچه به عنوان یک اصل اولی از این دسته از آیات فهمیده می‌شود این است که خداوند متعال، همکاری و از جمله فعالیت اقتصادی، اعم از اشتغال در دستگاه طاغوتی، معامله

با آن دستگاه و دیگر فعالیت‌های اقتصادی با حکومت‌های طاغوتی را نهی کرده است. البته این نهی در صورتی است که مصلحتی مهمتر از مفسده تقویت نظام طاغوتی در میان نباشد. لذا، در اسلام، اطلاق آن آیات به واسطه دستة دیگری از آیات و روایات مقید می‌شود. مانند «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُورِنِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أُمِينٌ» قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (یوسف، ۵۴-۵۵) و «كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۱۷۶).

### ۲-۲-۵. عدم مخالفت با احکام عقل (عملی)

هر فعالیت اقتصادی که از نظر عقل (عملی حکم کننده به حسن و قبح) انسان، مصداق ظلم شمرده شود، از جمله موضوعات امنیت اقتصادی می‌باشد و محدودیت آزادی شهروندان را در پی خواهد داشت. کم‌فروشی، دزدی، تکدی‌گری، احتکار، اکتساب از طریق برگزاری جلسات فحشا، خرید و فروش مواد مخدر، از جمله فعالیت‌های اقتصادی هستند که عقل انسان بر قبیح بودن و ظالمانه بودن آنها دلالت می‌کند. بنابراین، با توجه به اعتبار و حجیت احکام عقل عملی در نظر اسلام، فعالیت اقتصادی شهروندان جامعه اسلامی، مشروط به عدم نقض آن احکام است.

### ۳-۲-۵. آزادی اقتصادی افراد جامعه

نفس حقوق و آزادی‌های اقتصادی هر یک از افراد و گروه‌ها در جامعه، یکی دیگر از ارزش‌های اجتماعی و موضوعات و موارد امنیت اقتصادی است. آزادی فرد نباید به گونه‌ای استفاده شود که آزادی اقتصادی دیگر افراد جامعه را به خطر بیندازد. آیات و روایات بسیاری بر رعایت حقوق اقتصادی افراد جامعه و عدم جواز تجاوز و سلب آن آزادی‌ها و حقوق دلالت دارد. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (مانده، ۳۵). در این آیه، کسب درآمد و اشتغال از طریق دزدی نفی شده است. به عبارت دیگر، آزادی مالکیت و آزادی اشتغال در اسلام شامل دزدی نمی‌شود و این کار از دیدگاه اسلام تجاوز به حقوق اقتصادی و آزادی مالکیت افراد جامعه محسوب می‌شود.

در روایت «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۰، ص ۴۷۸). تجاوز به حقوق

اقتصادی افراد جامعه و سلب آزادی آنها نوعی ضرر شمرده می‌شود. بنابراین، از این روایت فهمیده می‌شود که سوءاستفاده از آزادی اقتصادی در صورتی که باعث سلب آزادی اقتصادی دیگر افراد جامعه شود، مورد تأیید دین اسلام نیست.

در آیه «... لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» (نساء، ۲۹)، به یک اصل کلی و مهم اسلامی اشاره می‌شود که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است. مفهوم آیه نیز عمومیت دارد و کلمه «الباطل» هرگونه تصرف در اموال دیگران از غیرطریق صحیح و به ناحق، مشمول این نهی الهی است. در واقع، تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد، مشمول این آیه بوده و استثناء تجارت، توأم با تراضی، در واقع، بیان یک مصداق روشن از طُرُق مشروع و حلال است و تعبیر به «اکل» (خوردن) نیز معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هرگونه تصرفی را شامل می‌شود. در واقع، این تعبیر کنایه‌ای است از انواع تصرفات، و «اکل» یک مصداق روشن آن می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۳-۵). بنابراین، سوءاستفاده از آزادی اقتصادی و سلب و تجاوز به آزادی‌های اقتصادی دیگر افراد جامعه می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق «اکل مال بالباطل» نهی شده در آیه فوق به شمار آید.

احتکار نیز از جمله مواردی است که در اسلام در جهت حفظ امنیت اقتصادی افراد جامعه از آن نهی شده است. «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴)، «فَأَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَنَعَ مِنْهُ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷، ص ۴۱۲) نهی از احتکار در این ادله به این دلیل است که شخص محتکر با سوءاستفاده از آزادی اقتصادی‌اش، و عدم عرضه کالا، باعث گران شدن آن در جامعه می‌شود و با این کار، به حقوق و آزادی‌های اقتصادی دیگران به‌ویژه متقاضیان آن کالا ضرر وارد می‌کند. به عبارت دیگر، گران شدن کالا و نایاب شدن آن با تأثیر بر قدرت خرید مردم، آزادی‌های ایجابی و مثبت افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد.

کم‌فروشی نیز یکی دیگر از مصادیق سوء استفاده از آزادی اقتصادی و تجاوز به حقوق و آزادی اقتصادی دیگر افراد جامعه است که دین اسلام از آن نهی کرده است. «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ...»

(مطففین، ۱-۳). کم‌فروشی با از بین بردن رکن مهم مبادلات یعنی سرمایه، اعتماد و اطمینان، نظام اقتصادی را به هم می‌ریزد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ص ۱۱۲). علامه نیز در تفسیر المیزان ذیل آیه فوق، کم‌فروشی را از جمله عوامل فساد اجتماع انسانی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۳۷۹). بنابراین، کم‌فروشی، نوعی فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود که امنیت اقتصادی دیگر افراد جامعه را به خطر می‌اندازد. لذا، در دین اسلام به شدت تحریم شده است.

#### ۵-۲-۴. حقوق جامعه (منافع و مصالح ملی)

حقوق اقتصادی جامعه و منافع و مصالح ملی در عرصه اقتصادی یکی دیگر از موضوعات امنیت اقتصادی محسوب می‌شود. از آنجا که جامعه و حقوق آن از دیدگاه اسلام معتبر است، لذا، هیچ کس حق تهدید و تجاوز به آن را ندارد. از برخی آیات و روایات، حفظ حقوق اقتصادی جامعه و عدم جواز تهدید آن استفاده می‌شود.

خداوند متعال در آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۱۴۱)، هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان را نفی کرده است. با توجه به اینکه از کلمه «سبیل» در آیه که از قبیل «نکره» در سیاق نفی» است، معنی عموم فهمیده می‌شود، کافران نه تنها از نظر منطقی، بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و به‌طور کلی از هیچ نظر بر افراد با ایمان، مسلط نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۷۵). بنابراین، عموم آیه مذکور شامل نفی سلطه اقتصادی نیز می‌شود. در واقع، سلطه اقتصادی کفار بر مسلمانان، امنیت اقتصادی جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد. بنابراین، آزادی فعالیت‌های اقتصادی افراد حقیقی و حقوقی در جامعه اسلامی نباید به گونه‌ای باشد که باعث سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور شود و آزادی‌های اقتصادی دولت، شرکت‌های خصوصی و افراد حقیقی، محدود به حفظ منافع ملی در عرصه اقتصادی است.

خداوند متعال در آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره، ۲۷۵-۲۷۷) از معاملات ربوی نهی کرده است. یکی از مهمترین پیامدها و مضرات وجود ربا در جامعه، حذف فعالیت‌های تولیدی در جامعه بوده که در نهایت، باعث اختلال جامعه و نظام زندگی می‌شود و امنیت اقتصادی جامعه را به خطر می‌اندازد. در روایتی در بیان علت تحریم ربا بیان شده است: «اگر ربا حلال می‌بود، مردم

تجارت و کسب را ترک می‌کردند و در پی تولید ما یحتاج زندگی خود نمی‌رفتند، پس خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم از مفت‌خوری و حرام به سوی کسب حلال و تجارت و خرید و فروش بشتابند، و قرض بی‌بهره میانشان باقی ماند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۵۶۷).

در برخی از آیات قرآن کریم مجازات شدیدی برای «مفسدین فی الارض» قرار داده شده است. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ...» (مانده، ۳۳-۳۴). مجازات تعیین شده در این آیه، به دلیل اطلاق عبارت «يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا»، مفسدین اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، سوءاستفاده از آزادی اقتصادی در جهت آسیب رساندن به منافع ملی اقتصادی جامعه به‌عنوان یکی از مصادیق فساد فی‌الارض شناخته می‌شود که نوعی تهدید به امنیت اقتصادی جامعه محسوب شده و از آیه مذکور عدم جواز و حرمت آن استفاده می‌شود.

کسب درآمد از طریق قاچاق کالا و نیز احتکار ضرر زننده به منافع ملی اقتصادی، و همچنین کسب درآمد از طریق جاسوسی علیه منافع اقتصادی نظام اسلامی از دیگر مصادیق تهدیدکننده حقوق اقتصادی جامعه و تهدید امنیت اقتصادی به‌شمار می‌آید.

## ۵-۲-۵. مصلحت اخروی فرد

یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی در نظام اقتصادی اسلام، مصلحت اخروی فرد است. «قَدْ أفلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۹-۱۰). از آنجا که رسیدن انسان به سعادت، هدف از آفرینش است، لذا، هر چیزی که در تحقق آن سعادت مانع شود، نوعی تهدید تلقی می‌گردد که می‌بایست برطرف شود. بنابراین، آزادی اقتصادی فرد در اسلام تا جایی مشروعیت دارد که با مصلحت اخروی وی در راستای شکوفایی استعدادهای درونی‌اش هماهنگ باشد. اگرچه حکومت حق دخالت در سلب آزادی اقتصادی فرد در صورت تعارض با مصلحت فردی وی را ندارد، ولی در اسلام از فرد خواسته شده است که در صورت مواجه شدن با این وضعیت، مصلحت اخروی فردی‌اش را قربانی آزادی اقتصادی نکند، «وَلَا تُؤْتُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره، ۱۹۵).

آنچه که در مجموع از مباحث مذکور استنباط می‌گردد این است که:

۱. امنیت اقتصادی نیز به‌عنوان یک حق حیاتی برای انسان به‌شمار می‌رود. لذا اصل لزوم



وجود امنیت اقتصادی در اسلام پذیرفته است.

۲. ارزش‌های حیاتی مذکور، صرفاً محدود به ارزش‌های عرفی مشترک مورد تایید شرع(امضایی) نمی‌شود، بلکه ارزش‌های حیاتی دینی تاسیسی را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، ارزش‌هایی را در برمی‌گیرد که ناظر به پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی به صورت توأمان است، لذا چنین امنیت اقتصادی، متعالی نیز می‌باشد، لذا از آزادی اقتصادی متدانی مطلق(هرج و مرج‌آفرین) و نیز آزادی اقتصادی متدانی حدکثری (لیبرالیستی سکولاریستی) که هر دو منجر به استخدام یک‌طرفه مذموم و سلب امنیت اقتصادی متعالی می‌شود، متمایز می‌گردد. بنابراین، براساس برهان سبر و تقسیم، احتمال تقدم آزادی اقتصادی (متدانی مطلق/ حدکثری) بر امنیت اقتصادی نیز از نگاه آیات و روایات اسلامی مردود است.

### ۳-۵. درستی احتمال تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام

نادرستی احتمال تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی و نیز نادرستی احتمال تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی براساس آیات و روایات و همچنین بدهت بطلان احتمال فقدان ارتباط میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اسلام با استناد به آیات و روایات، بر نوعی ارتباط و نسبت دلالت دارد. بنابراین، براساس برهان سبر و تقسیم، به صورت منطقی، احتمال تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی از دیدگاه اسلام اثبات می‌گردد. با این بیان که دین اسلام از یک‌سو بر آزادی اقتصادی (آزادی مالکیت، اشتغال و آزادی فعالیت اقتصادی گروهی) به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر تأکید می‌کند. از سوی دیگر نیز بر حفظ امنیت اقتصادی در جامعه (عدم تهدید نسبت به حق الهی، حقوق جامعه و...) تأکید دارد. این دو ویژگی در دین اسلام حاکی از آن است که برقراری وضعیت استبداد اقتصادی ممنوع است، حتی به بهانه حفظ امنیت اقتصادی نیز حاکم اسلامی حق سلب آزادی‌های اقتصادی شهروندان را ندارد. همچنین برقراری وضعیت آزادی متدانی مطلق (هرج‌ومرج‌آفرین) نیز در اسلام که حقوق الهی، منافع جامعه و غیره را دچار مخاطره و تهدید می‌کند، مردود است. به عبارت دیگر، در دین اسلام، نه تنها آزادی‌های اقتصادی مشروع و قانونی در تقابل با امنیت اقتصادی نیست، بلکه برقراری وضعیت امنیت اقتصادی نیز

رابطه‌ای تنگاتنگ با آزادی‌های اقتصادی قانونی دارد. در واقع، فقدان آزادی‌های اقتصادی در جامعه یا به مخاطره افتادن آن‌ها، حاکی از ناامنی اقتصادی است. لذا، از جمله شرایط وجود امنیت اقتصادی در جامعه، توانایی بهره‌مندی مردم از حقوق اقتصادی قانونی‌شان است. برقراری چنین امنیتی در اسلام ملازم با برقراری آزادی اقتصادی بوده و همچنین در چنین وضعیتی، بین امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی نسبتی تعاملی برقرار است. با این توضیح که تقویت/ تضعیف هر یک از امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی، اثری مستقیم در تقویت/ تضعیف دیگری دارد. تحقق چنین وضعیتی در حقیقت ریشه در مقید بودن آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی به عدم مغایرت با وحی (قوانین الهی) دارد (متعالی شدن). در نتیجه بر این اساس، وضعیت استخدام دوسویه عادلانه در روابط اجتماعی بوجود می‌آید.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پاسخ به این سؤال که «چه نسبتی میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام برقرار است؟» با استفاده از روش سبر و تقسیم و نظریه استخدام این نتیجه بدست آمد که در نظام اقتصادی اسلام میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی، وضعیت استخدام دوسویه عادلانه که نسبتی تعاملی متعالی است، برقرار می‌باشد. با این بیان که از میان سه فرض تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی و بالعکس و نیز تعامل میان آن دو، نادرستی دو فرض اول اثبات گردید، زیرا از منظر آیات و روایات اسلامی، تقدم هر یک از امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی بر یکدیگر (وضعیت متدانی اعم از حداقلی و یا حداکثری و یا مطلق) به این علت که باعث پایمال شدن حقوق انسان‌ها و نیز ضایع شدن منافع و ارزش‌های دینی و ملی (حقوق و مصالح عمومی و الهی) می‌شود، نوعی از ظلم و بی‌عدالتی را در روابط اجتماعی بوجود می‌آورد که در آن، سودرسانی میان بازیگران اجتماعی، دوسویه نمی‌شود، بلکه استخدام به حالت یک‌سویه درمی‌آید. به این معنا که حقوق یک‌طرف تضييع می‌شود. بنابراین، فقط فرض تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی اثبات می‌شود که در آن، هیچ تضييع حقوق فردی، ملی، دینی و عمومی بوجود نمی‌آید و تعادلی مبتنی بر عدالت در روابط اجتماعی محقق می‌شود که متعالی است (در برگرفتن دنیا و آخرت به صورت توأمان).

## منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. سید رضی؛ ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۳.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ. تصحیح مجتبی عراقی. قم: دارسیدالشهداء للنشر، ج ۲.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: اسلامی، ج ۲.
  ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: انتشارات اسلامی، ج ۱، ۳.
  ۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۲.
  ۵. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الاثمه. تحقیق مجتبی فرجی. قم: دارالحدیث، ج ۱.
  ۶. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
  ۷. انصاری، مرتضی (۱۳۸۰). کتاب المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی، ج ۱.
  ۸. برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره آزادی. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
  ۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۷.
  ۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۲/۵/۱۲). بیانات در مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2678>
  ۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۲/۲۳). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3005>
  ۱۲. خلیلی، رضا (۱۳۸۷). امنیت و آزادی؛ در جستجوی نگرشی معطوف به توسعه پایدار. مطالعات راهبردی، دوره یازدهم، شماره ۴۱: ص ۴۹۵-۵۲۵.
  ۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ج ۳.
  ۱۴. صدر، سید محمدباقر (بی تا). اقتصاد ما. ترجمه محمدکاظم موسوی. تهران: انتشارات اسلامی، ج ۱.
  ۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲۰.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۹۹۱م). المیزان. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.
۱۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: مؤسسه اقتصادی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م). نهج الحق و كشف الصدق. بیروت: دارالکتب اللبانی.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحديث، ج ۱، ۵، ۱۰، ۱۴.
۲۱. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹). کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالی. مطالعات راهبردی، دوره سیزدهم، شماره ۵۰: ص ۶۳-۸۴.
۲۲. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۰). امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. اسراء، دوره سوم، شماره ۷: ص ۱۹-۵۲.
۲۳. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۴). مکتب امنیتی متعالی با نگاهی به اندیشه امام خمینی. آفاق امنیت، دوره هشتم، شماره ۲۶: ص ۵-۳۹.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. تهران: صدرا، ج ۶.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ۲، ۱۲.
۲۶. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع). قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، ج ۴.
۲۷. ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰). درآمدی بر بررسی‌های امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: امیرکبیر.
28. Gray, Tim (1991). *Freedom*, Humanities Press International In C. Atlantic. Highlands New Jersey
29. Wolfers, Arnold (1952). National Security as an Ambiguous Symbol. *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 4: P. 481-502